

# نگاره‌های شاهنامه

علی اصغر میرزایی مهر  
عضو هیئت علمی دانشگاه علم و فرهنگ  
درآمد

فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران با همکاری سفارت افغانستان به زودی شاهنامه نفیسی را با عنوان «شاهنامه کابل» به قلم نگارنده به چاپ می‌رساند. آنچه در پی می‌آید گزیده‌ای است از مطالب کتاب مذکور و نیز پیشوازی برای همایش شاهنامه نگاری.

پس از مبحثی درباره چند و چون مصورسازی شاهنامه، فهرستی از شاهنامه‌های پر تصویر تاریخ نقاشی ایران همراه با محل نگهداری، شماره نسخه، تاریخ اتمام کتابت و تعداد تصاویر ارائه می‌گردد.

افتتاح سخن آن به که کنند اهل کمال  
به تنای ملک الملک خدای متعال

سابقه به تصویر کشیدن داستان‌های حماسی به پیش از عهد فردوسی و سرایش شاهنامه<sup>۱</sup> - حدود ۳۷۰ تا ۴۰۰ هـ- می‌رسد.<sup>۲</sup> اما بیان شیرین و فصیح فردوسی و جامعیت و پیوندی که به روایات پراکنده ملی و بومی ایران داد، ایرانیان را بیش از پیش شیفته این حکایات کرد تا آن‌جا که علاوه بر گسترش و اقبال سریع این اشعار در میان

مردم، آراستن آن با نگاره‌های زیبا نیز معمول شد و از زمانی که قلم فردوسی از رفتن باز ایستاد و شاهنامه به انجام رسید قلم خوش نویسان و قلم‌موی نقاشان به بازنویسی و بازآرایی هزاران باره داستان‌های روح افزا و دلکش آغازیدن گرفت. بدون تردید در طی هزار سالی که از سرودن شاهنامه می‌گذرد ایرانیان و نیز غیر ایرانیانی که در گستره نفوذ زبان پارسی بوده‌اند و حتی غیر ایرانیان غیر فارس زبان نیز «بهین نامه باستان» ما را به زبان خویش ترجمه و بازنویسی کرده<sup>۳</sup> و با نگاره‌ها آرایشش دادند تا جایی که به یقین شاهنامه فردوسی در میان کتاب‌های مصور ایرانی به جهت دفعات آراستگی و نیز کثرت نگاره‌ها در یک مجلد، رتبه نخست را داراست. به عبارت دیگر هیچ کتابی به اندازه شاهنامه، در تاریخ نقاشی ایران مصور نشده است. با تمام فراز و فرودهای اجتماعی و تحولات سبک شناختی نقاشی و کتاب آرایی ایرانی، طی صدها سال، جایگاه شاهنامه خلل ناپذیر بوده است، مگر عصر حاضر که چند و چون تولید کتاب و تصاویر داخل آن دگرگونه شد.

اما این اقبال شگفت انگیز چگونه پدید آمد؟ گرچه این نوشتار در پی پاسخ گویی دقیق به این پرسش مهم و پیچیده نیست ولی با نگاهی گذرا، عوامل متعددی را می‌توان در این امر سهیم دانست؛ از جمله الف: محبوبیت موضوعی شاهنامه، روایات و داستان‌های شاهنامه از عمق مردم



شناختی و ملی و اخلاقی بسیار والا بی برخوردارند و این عامل در گسترش آن میان طیف‌های اجتماعی مؤثر بوده است. ب: تأکید بر ملیت و زبان ایرانی و توصیف قهرمانی‌های گذشتگان که بازخوانی و بازگویی آن با زبانی حماسی، غرور ملی و میهن پرستی را در خواننده و شنونده تحریک می‌کرد و ایشان را در پاسداری از آب و خاک و مقابله با مهاجمان و صیانت از فرهنگ بومی تشجیع می‌کرد. ج: شیوه و اسلوب توصیفی فردوسی در نقل داستان‌ها، فردوسی در فضا سازی و چیدمان صحنه‌ها و دقایق رفتار و کردار قهرمانان و جزئیات رویدادها

چنان مهارتی به کار برده که به سهولت، تصاویر صحنه در ذهن خواننده و شنونده داستان بازآفرینی می‌شود، به گونه‌ای که گویی آن را به چشم می‌بیند. این شیوه نه تنها در جذب شنونده و نفوذ در مخاطب بسیار مؤثر بود، در تحریک نگارگران و حامیان ایشان نیز نقش داشت و کار را برای نگارگر آسان می‌کرد. او به راحتی می‌توانست صحنه‌ها را تجسم و با طرح و رنگ آنها را باز بیافریند و شنیدنی‌ها را دیدنی کند. د: وزن عروضی ساده و روان شاهنامه نیز که بحری به یاد ماندنی و کوتاه و آهنگین بود همراه با زبان بی‌آلایش فردوسی در به حافظه سپردن و گسترش مردمی آن سهمی قابل توجه داشت.<sup>۴</sup> ه: علاوه بر عوامل فرهنگی، برخی دلایل سیاسی را نیز باید در توسعه شاهنامه نگاری و شاهنامه خوانی دخیل دانست. شاهان و امیران با پرداختن به شاهنامه و بازخوانی و مصورسازی آن به گونه‌ای غیرمستقیم - بعضاً نیز مستقیم - حاکمیت خود را که می‌توانست در ادامه حکومت‌های عصر طلایی شاهنامه قلمداد شود فرا یاد می‌آوردند. از این روی غالب شاهان - و حتی امیران نیز - به هنگام تاج‌گذاری و یا به چنگ آوردن قدرت با گردآوری هنرمندان و سفارش شاهنامه‌ای به ایشان علاوه بر ارائه چهره‌ای هنر دوست و فرهنگ پرورانه، نوعی تأییدیه سیاسی نیز برای حکومت و قدرت سیاسی خویش دست و پا می‌کردند.<sup>۵</sup>

به هر روی از عصر فردوسی به بعد شاهنامه نگاری سنتی پایدار شد که هر نسلی به گونه و سیاق روزگار خویش آن را تداوم بخشید. گرچه بسیاری از این کتب هنرمندانه در پست و بلند روزگار از میان رفتند، با این همه امروزه صدها شاهنامه مصور از مکاتب نقاشی ایرانی در موزه‌های جهان و کتابخانه‌ها و مجموعه‌های هنری بر جای مانده است.

بارزترین نمود نقاشی ایرانی -نگارگری- در مصورسازی کتاب خودنمایی می‌کند و شاهنامه فردوسی نیز بر فراز کتب مصور فارسی و ایرانی قرار یافته است. تولید کتاب به شیوه ای که ایرانیان آن را به کمال رساندند نیازمند مقدمات و ابزار و آلات و هزینه بسیار و گروه بزرگی از هنرمندان با تخصص‌ها و توانایی‌های مختلف بود. ناگفته پیداست که می‌بایست وراقان و صحافان و جلدسازان و شیرازه‌بندان و جدول‌کشان و مذهبان و قطاعان و زرکوبان و لاجوردشویبان و نیز خوش‌نویسان و نگارگران و بسیاری دیگر دست به دست یکدیگر دهند و در مرکز و کارگاهی که غالباً حکام هنرپرور آن را ترتیب می‌دادند گرد هم آیند و هنرهای خویش را به هم در پیوندند تا سرانجام نتیجه ای شکوهمند حاصل آید که فایه تفاخر قدرتمندان خودستا، و بوستان و گلستان شاهان هنرپرور و زهتگه فکر و اندیشه فرهیختگان اهل دل و فضل و ادب باشد و زیب و زینت فرهنگستان‌ها و کتابخانه‌ها و نگارخانه‌ها.

در میان خیل بزرگ هنرمندان که هر یک به طرزی در پدید آمدن یک کتاب مصور نفیس نقش داشتند، خوش‌نویسان و نگارگران دارای پایگاه و جایگاهی بلندتر از دیگران بودند و اصلی‌ترین کارها به سرانگشت اعجازگر ایشان جامه می‌پوشید. اما فعالیت این دو گروه علی‌رغم هم‌پوشانی و همگامی با یکدیگر تفاوت‌های چشمگیری داشت.

از دیرباز خوش‌نویسان بهتر آن دیده‌اند که اگر قلم را جهت نوشتن «با» می‌بسم الله یا مرکب معطر ساختند، تا پایان کتاب را صاحب قلم بنگارد و «تم الکتاب» را نیز همان سرانگشت بنویسد تا یکدستی و هماهنگی نوشتار خلل نبیند و به دوگانگی نینجامد، چون سراسر متن یک کتاب به منزله یک واحد کار هنری به حساب می‌آید؛ اگرچه واحدی عظیم بود و نیازمند زمانی طولانی. از همین روی بسیاری از شاهنامه‌های تاریخی موجود در موزه‌های جهان یک خوش‌نویس دارند.<sup>۶</sup> گرچه خطاطی که ۶۰ هزار بیت<sup>۷</sup> را همراه با دیباچه و حاشیه‌ها و مؤخره‌های بعضاً مبسوط با عیاری واحد تواند نگاشت دستی بوسیدنی دارد و صبری ایوب وار و دلی مالامال از عشق و سری سرشار از شور شیدایی و همتی در حد ستایش. البته مواد و مصالح مورد نیاز خوش‌نویسان در قیاس با نگارگران بسیار ساده، محدود، ارزان و سهل‌الوصول بود.

اما هنر نگارگری شرایط و عواملی متفاوت با خوش‌نویسی داشت. ضرورت شناخت مواد اولیه متعدد با ویژگی‌های گوناگون، توانایی کار با مصالحی کمیاب و بعضاً بسیار گران‌قیمت همچون طلا و نقره، درک درست ارتباط متن با تصویر، تنظیم سنجیده تصاویر و پراکندگی آنها در فواصل داستانی، کسب مهارت‌های لازم جهت طراحی و نقاشی از مضامین و عناصری به غایت متنوع از جمله پیکر آدمیان و حیوانات، درختان و گل‌ها و چشم

اندازه‌ها، جنگ افزارها، بناها، خیمه‌ها، زیراندازها، دست‌بافت‌ها و نقوش تزیینی و تجریدی و... به دست آوردن تمرکز و آمادگی جسمی لازم جهت پرداختن به جزئیاتی بعضاً در حد اعجاب، درک ارزش‌های رنگی و فهم عمیق ارزش‌های هنری پنهان در ذره ذره نقوش‌های دل‌فریب و... باعث می‌شد که اغلب نگاره‌های کتاب‌ها از جمله شاهنامه‌ها کاری مشترک از گروه هنرمندان یک کارگاه هنری باشد که بعضاً تعدادشان از انگشتان دو دست نیز فراتر می‌رفت و حتی گاه استادانی از دو نسل را در بر می‌گرفت.<sup>۸</sup>

نه تنها نگاره‌های یک نسخه به دست نگارگرانی متعدد انجام می‌گرفت، بلکه در مواردی یک نگاره نیز به دست چند هنرمند اجرا یا تکمیل می‌شد؛ هنرمندانی که هر یک در ترسیم قسمت‌های ویژه ای تبحر داشتند؛ مثلاً یکی در ترسیم پیکرها سرآمد بود و دیگری در اجرای چشم اندازه‌ها و آن دیگر در طراحی از اسب‌ها یا حیوانات و یا جنگ افزارها و... از روش‌های معمول، تفکیک بخش طراحی از رنگ آمیزی بود. هنرمندی قلم‌گیری اثر را عهده دار می‌شد و سپس دیگری رنگ آمیزی آن را.

این نکات و مسائلی از این دست بود که حضور یک «کلانتر» را در کارگاه‌های هنری لازم می‌کرد تا با درایت هنری خویش و اشراف بر کار هنرمندان کارگاه، بتواند هماهنگی مطلوب را میان این گروه بزرگ هنری فراهم آورد و تسلط لازم را بر تقسیم کار میان هنروران داشته باشد و زمان بندی ضروری برای آمیزش این عملکردها را تنظیم و پروژه را رهبری کند.



در میان صنوف متعدد هنری که فعالیتشان در راستای تولید کتاب قرار داشت، این خوش‌نویسان بودند که پیش از دیگران نام خود را در پایان اثر رقم زدند. نگارگران بسی دیرتر از یک‌ه تا ازان عرصه خط این پایگاه و تشخیص هنری را به دست آوردند که نامشان را بر اثر خویش بنگارند.<sup>۹</sup> با وجود این هر چند بسیاری از نگاره‌های شاهنامه‌ها فاقد نام هنرمند است، ولی کارشناسان خبره می‌توانند قلم هنرمندان را از یکدیگر تمیز دهند و اطمینان حاصل کنند که کتب مصور از جمله شاهنامه‌ها به قلم یک نقاش سامان نیافته‌اند. حتی قدیمی‌ترین شاهنامه‌های پر تصویر و معتبر ما یعنی شاهنامه اینجو (لنینگراد) که ۴۹ تصویر دارد و به سال ۷۳۳ه خلق شده است به قلم ۳ یا ۴ نقاش به انجام رسیده<sup>۱۰</sup> و نقاشی‌های شاهنامه ابوسعیدی (دموت) را که (احتمالاً) به سال ۷۳۶ تولید شده است به دو هنرمند یعنی احمد و پدرش موسی که در کارگاه هنری عهد سلطان ابوسعید ایلخان مغول فعال بوده‌اند، نسبت داده‌اند.<sup>۱۱</sup>

اندک نسخه ای از شاهنامه می‌توان یافت که تمامی تصاویرش اثر قلم یک نگارگر باشد که اگر چنین باشد یا تعداد نگاره‌های آن اندک است و یا نگارگر سال‌های متمادی از عمر خویش را صرف این کار کرده است. از جمله شاهنامه‌های پر تصویری که تمامی نگاره‌های آن توسط یک هنرمند انجام گرفته، شاهنامه کابل است که بیش از ۱۲۰ نگاره دارد و تمامی آنها به قلم نگارگری به نام محمد شفیع فرزند محمد مسیح است و طی سال‌های ۱۱۱۵ تا ۱۱۲۰ در اصفهان اجرا شده است.

ردیف	محل نگهداری	شماره نسخه	تاریخ اتمام کتابت	تعداد نكاره
۱	استانبول، موزه توفقایوسرای	_____	۷۳۱ هـ	۹۲
۲	ابوسعیدی، پراکنده (Demotte)	_____	۷۳۶ هـ	بیش از ۱۸۰
۳	موزه ملی هند	_____	۸۳۴ هـ	۹۰
۴	پاریس، کتابخانه ملی	sp ۴۹۳	۸۴۴ هـ	۵۳
۵	لندن، موزه بریتانیا	۱۶۸۸	۸۵۰ هـ	۸۰
۶	آکسفورد، بودلیان	G۴-۱۹۷۷	۸۵۲ هـ	۵۴
۷	استانبول، حمیدیه	۱۷۷۷	۸۵۵ هـ	۶۳
۸	نیویورک، کورکیان	۶۱	۸۶۱ هـ	۵۳
۹	نیویورک، کورکیان	۸۷۷	۸۷۸ هـ	۵۹
۱۰	لندن، موزه بریتانیا	۱۸۱۸۸ Add	۸۹۱ هـ	۷۲
۱۱	استانبول، موزه توفقایوسرای	H ۱۵۰۶	۸۹۱ هـ	۵۲
۱۲	آکسفورد، بودلیان	E۳۲۵ C۴۳	۸۹۹ هـ	۶۲
۱۳	دانشگاه استانبول	_____	۸۹۹ هـ	۱۰۸
۱۴	استانبول، توفقایوسرای	H ۱۴۹۹	سده ۹ هـ	۵۷
۱۵	سن یترزبورگ، کوزلیان	۶	سده ۹ هـ	۷۴
۱۶	استانبول، توفقایوسرای	A ۱۰۵۷	۹۰۰ هـ	۶۵
۱۷	استانبول، توفقایوسرای	A ۳۰۶۵	۹۰۱ هـ	۷۳
۱۸	مادرید، کاخ پادشاهی	۱۱-۳-۲۱۸	۹۰۱ هـ	۷۳
۱۹	مونیخ، schuiz	F-۸	۹۰۲ یا ۹۰۹ هـ	۶۰
۲۰	دوبلین، چستریتی	۲۹۵	۹۰۵ هـ	۵۹
۲۱	نیویورک، کورکیان	۷۶	۹۱۲ هـ	۱۱۵
۲۲	استانبول، توفقایوسرای	H ۱۵۰۴	۹۱۴ هـ	۸۵
۲۳	نیویورک، کورکیان	۱۰۷	۹۱۸ هـ	۷۸
۲۴	استانبول، توفقایوسرای	۱۴۸۰	۹۲۷ هـ	۱۲۸
۲۵	هنرهای معاصر تهران، متروبولین نیویورک	_____	۹۴۴ هـ	۲۵۸
۲۶	تهران، کتابخانه ملی	ف ۹۸۲	۹۴۸ هـ	۹۳
۲۷	پاریس، کتابخانه ملی	p.s. ۴۷۹	۹۵۳ هـ	۶۸
۲۸	دوبلین، چستریتی	p ۲۱۴	۹۵۵ هـ	۶۲
۲۹	تاشکند، عمومی ازبکستان	۱۸۱۱	۹۶۴ هـ	۱۱۶
۳۰	استانبول، توفقایوسرای	H ۱۴۹۳	۹۷۳ هـ	۸۴
۳۱	تهران، مجلس شورا	۱۱۰۰	سده ۱۰ هـ	۵۹
۳۲	تهران، دانشگاه تهران	_____	۱۰۰۱ هـ	۱۵۹
۳۳	استانبول، توفقایوسرای	H ۱۴۸۷	سده ۱۰ هـ	۵۲
۳۴	استانبول، توفقایوسرای	H ۱۴۹۴	سده ۱۰ هـ	۷۶
۳۵	استانبول، حالت فندی	۳۰۷۹	سده ۱۰ هـ	۲۰۲
۳۶	دوبلین، چستریتی	Add ۱۳۷	سده ۱۰ هـ	۵۹

ردیف	محل نگهداری	شماره نسخه	تاریخ اتمام کتابت	تعداد نگاره
۳۷	لندن، موزه بریتانیا	Add ۲۷۲۵۷	سده ۱۰ هـ	۵۱
۳۸	سن پترزبورگ، کورکیان	۹	سده ۱۰ هـ	۷۴
۳۹	نیویورک، دانشگاه کلمبیا	_____	سده ۱۰ هـ	۵۸
۴۰	نیویورک، کورکیان	۱۲۵	سده ۱۰۰۵ هـ	۷۲
۴۱	سن پترزبورگ، عمومی، کوزلیان	۱۵	سده ۱۰۰۷ هـ	۵۹
۴۲	نیویورک، کورکیان	۱۱۶	سده ۱۰۰۸ هـ	۱۰۳
۴۳	نیویورک، کورکیان	۷۶	سده ۱۰۱۱ هـ	۶۲
۴۴	امریکا، فهرست جکسن	۲	سده ۱۰۱۱ هـ	۷۲
۴۵	پاریس، کتابخانه ملی	۴۹۰	سده ۱۰۱۲ هـ	بیش از ۵۰
۴۶	لندن، دیوان هند	G. ۸۷۶	سده ۱۰۱۳ هـ	۶۳
۴۷	نیویورک، موزه متروپولیتن	۱۶-۲۳۸-۱۲	سده ۱۰۱۳ هـ	۸۵
۴۸	نیویورک، کورکیان	ab ۸۷۵	سده ۱۰۲۸ هـ	۵۰
۴۹	کتابخانه مدرسه عالی شهید مطهری (سپهسالار)	_____	سده ۱۰۳۰ هـ	۵۲
۵۰	لندن، موزه بریتانیا	Add ۲۷۲۵۸	سده ۱۰۳۷ هـ	۶۳
۵۱	استانبول، توبقاپوسرای	H. ۱۴۹۸	سده ۱۰۳۸ هـ	۵۳
۵۲	سن پترزبورگ، عمومی، کوزلیان	۱۷	سده ۱۰۳۹ هـ	۷۵
۵۳	کمبریج، موزه Fitzwilliam	۳۱۱	سده ۱۰۴۰ هـ	۶۷
۵۴	برلین، موزه پادشاهی	۱۸۱	سده ۱۰۴۲ هـ	۹۶
۵۵	لندن، قصر پادشاهی ویندسور	Ms.A ۶	سده ۱۰۵۸ هـ	۱۴۸
۵۶	منچستر، جان ریلاندز	۹۰۹	سده ۱۰۶۰ هـ	۱۰۰
۵۷	سن پترزبورگ، عمومی، کوزلیان	۱۸	سده ۱۰۶۱ هـ	۹۲
۵۸	تهران، ملی	۱۱۶۹	سده ۱۰۸۵ هـ	۸۵
۵۹	تهران، کتابخانه گلستان	ف ۳۰۲	سده ۱۱ هـ	۹۳
۶۰	تهران، موزه هنرهای تزئینی	۱۲۷۳۳	سده ۱۱ هـ	۵۱
۶۱	برلین	ف. برج ۳۳۸۰	سده ۱۱ هـ	۵۰
۶۲	بیرمنگام Sellyoak colleyes minyana	_____	سده ۱۱ هـ	۷۲
۶۳	فیلاولفیا، موزه هنر	_____	سده ۱۱ هـ	۱۱۸
۶۴	لندن، دیوان هند	G ۲۹۹۲	سده ۱۱ هـ	۵۹
۶۵	سن پترزبورگ، فهرست کوزلیان	۱۸	سده ۱۱ هـ	۱۹۲
۶۶	سن پترزبورگ، فهرست کوزلیان	۱۹	سده ۱۱ هـ	۵۰
۶۷	سن پترزبورگ، فهرست کوزلیان	۲۴	سده ۱۱ هـ	۶۴
۶۸	انگلستان، منچستر، جان ریلاندز	MS.Pers ۹۱۰	سده ۱۱ هـ	۱۰۰
۶۹	افغانستان، آرشیو ملی، کابل	_____	سده ۱۱۱۹ هـ	بیش از ۱۲۰
۷۰	کراچی، موزه ملی پاکستان	_____	سده ۱۲ هـ	۷۵
۷۱	سن پترزبورگ، عمومی	_____	سده ۱۲۵۳ هـ	۶۵
۷۲	تهران، موزه رضا عباسی	_____	سده ۱۲۷۴ هـ	۶۸

شاهنامه فردوسی از مفصل ترین منظومه های تاریخ ادب پارسی است و از این رو فردوسی عمر هنری خویش را صرف جاودانه کردن اساطیر، فرهنگ و تاریخ مرز و بوم خویش کرد و به زودی سروده او کرانه های فراخ زبان پارسی را در نوردید و مردمی شد و با تصاویر آراسته گشت.

دلکشی مضامین، بیان توصیفی روان و متناسب، خاستگاه ملی و مردمی روایات، دل بستگی حکام هنرپرور به آن، حجم زیاد کتاب و پذیرش آن از سوی عوام و خواص و... باعث شده است که میانگین تعداد نگاره های شاهنامه ها بیش از دیگر کتب مصور تاریخ نقاشی ما باشد. اما آیا به راستی می توان تعریفی دقیق از تعداد تصاویر شاهنامه داشت؟ کدام داستان ها جهت مصورسازی بیشتر مورد توجه قرار گرفته اند؟ طی قرون و اعصار چه تحولاتی در گزینش مضامین جهت تصویرگری روی داده است؟ کدام هنرمندان در آرایش شاهنامه ها سهم بیشتری دارند؟ شرایط و ویژگی های کارگاه های تولید این شاهنامه ها چگونه بوده است؟ آنها چگونه و تحت چه شرایطی نگهداری می شوند؟ چند شاهنامه مصور در موزه های جهان وجود دارد؟ ما ایرانیان که مالکان معنوی این شاهنامه ها هستیم در بازشناسی و پژوهیدن جایگاه این میراث گران سنگ هنری چه سهمی را داشته ایم و کدام تلاش ها را کرده ایم؟

امروزه بسیاری شاهنامه های بدون تصویر که به جهت دیگر هنرها همچون کیفیت خط و تذهیب و تجلید و... در شمار شاهکارها باند و نیز فراوان اند نسخه هایی که اگر چه تصاویرشان اندک است، ولی جزو نفیس ترین نسخ خطی دنیا به شمار می روند؛ همچون شاهنامه بایسنقری.<sup>۱۲</sup>

چون معرفی تمامی شاهنامه های موجود در موزه ها از گنجایش این نوشتار موجز خارج است از این روی به ارائه فهرستی از شاهنامه های پر تصویر ایرانی در مراکز هنری جهان بسنده می کنیم. در این جا فقط به شاهنامه هایی اشاره شده که بیش از پنجاه تصویر دارند. بدین ترتیب هر کدام از این نسخه ها به تنهایی موزه ای ریزنقش و پرنگار به شمار می روند که اگر خدای ناکرده از شیرازه خود جدا شوند و در برابر دیدگان هنر دوستان قرار گیرند- همچنان که شاهنامه ابوسعیدی توسط ژرژ دموت و شاهنامه طهماسبی توسط آرتور هوتن به چنین بلایی دچار آمدند- هر نسخه برای آراستن موزه ای بسنده تواند بود.

نگارنده با مراجعه به فهرست های کتب خطی و منابع متعدد تاریخی و هنری موفق به یافتن بیش از هفتاد جلد شاهنامه مصور دارای بیش از پنجاه تصویر گردید. کتاب های مذکور را می توان «نسخ پر تصویر» تاریخ نگارگری ایران نامید. ناگفته پیداست که گروهی از نسخه ها که شناسنامه شان آمده امروزه ناقص هستند و صفحاتی از آنها که اغلب شامل نگاره ها و یا آغاز و انجام آنهاست از میان رفته یا از آنها جدا شده است و در واقع تصویرهایشان بیشتر از عددی بوده که ارائه گردیده است.

راستی چند درصد از این گلستان بزرگ نقاشی ایرانی تا به امروز چاپ شده و در دسترس هنر دوستان و هنر شناسان قرار گرفته است؟ مسئولیت چاپ و نشر آن به عهده کیست؟

پی نوشت

۱- در ایوان ها نقش بیژن هنوز به زندان افراسیاب اندر است

(منسوب به فردوسی)

این بیت از شهرت فراوان داستان بیژن و منیژه حکایت می کند تا بدان جا که تصاویر آنان را در ایوان ها و بر دیوار خانه ها نیز نقش می کرده اند. «تاریخ ادبیات در ایران»، ذبیح الله صفا، انتشارات فردوسی، چ ۱۲، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۴۶۳

همچنین نک: «نگاره های شاهنامه»، ابت. آدامووا، ل.ت. گوزالیان، ترجمه زهره فیضی، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۳، ص ۲۰-۲۸

۲- «تاریخ ادبیات در ایران»، ص ۴۷۲-۴۷۷.

ز هجرت شده پنج هشتاد بار که گفتم من این نامه شاهوار

(فردوسی)

سال ۴۰۰ هجری برابر ۱۰۱۰ میلادی است.

۳- «حماسه سرایی در ایران»، ذبیح الله صفا، امیرکبیر، چ ۵، ۱۳۶۹، ص ۲۱۵-۲۲۵

۴- شاهنامه فردوسی در قالب مثنوی و بحر متقارب (فعولن فعولن فعول) سروده شده است.

۵- از جمله شاه اسماعیل دوم صفوی تقریباً بلافاصله پس از دست یازیدن به قدرت (۹۸۳ هـ) هنرمندان متفرق شده در عهد پدرش، شاه طهماسب را باری دیگر در قزوین گردآورد و سفارش شاهنامه ای عظیم را داد. اما با مرگ زود هنگام این شاه تند خوی در ۹۸۴ هـ، شاهنامه مذکور هرگز به پایان نرسید. امروزه برگ هایی از نقاشی های آن کتاب ناتمام در موزه رضا عباسی تهران نگهداری می شود.

۶- از جمله سراسر شاهنامه بایسنقری به خط مولانا جعفر بایسنقری (تبریزی) و شاهنامه کابل به دست عطاءالله حجازی و شاهنامه داوری به قلم محمد داوری نوشته شده است.

۷- فردوسی سطور شاهنامه را «ز ابیات غزا دو ره سی هزار» یعنی ۶۰ هزار بیت شمرده است، اما هیچ یک از نسخه های بازمانده از ۵۴ هزار بیت تجاوز نمی کند. ر.ک: «تاریخ ادبیات در ایران»، ص ۴۸۹

۸- تعداد هنرمندان فعال در کارگاه هنری تبریز صفوی در نیمه اول سده دهم بسیار زیاد بود. هنرمندانی از دو نسل در آراستن کتاب هایی همچون شاهنامه طهماسبی و خمسه طهماسبی نقش داشتند؛ از جمله بزرگانی همچون سلطان محمد و فرزند هترمندش میرزا علی، میرمصور

و فرزندش میرسیدعلی.

۹- غالباً جنید نقاش بزرگ دربار جلایریان را که در اواخر سده هشتم و اوایل سده نهم هجری فعال بود، اولین نگارگری به شمار می آورند که نام خویش را در برخی از آثارش آورده است در حالی که ده ها خوش نویس پیش از وی نام خود را در آثارشان ذکر کرده بودند.

۱۰- «نگاره های شاهنامه»

۱۱- «سیر تاریخ نقاشی ایرانی»، لورنس بینون و دیگران، ترجمه محمد ایرانمنش، امیرکبیر، ۱۳۷۸، ص ۴۱۵-۴۱۶

۱۲- این نسخه نفیس که در کارگاه های هنری هرات به سفارش بایسنقر میرزا، امیر با فرهنگ تیموری و به سال ۸۳۳ هجری تولید شده است و در کتابخانه گلستان تهران نگهداری می شود، فقط ۲۲ تصویر دارد.

برای تنظیم فهرست ارائه شده، علاوه بر منابعی که در پی نوشت آمده است، از این منابع نیز بهره برده ام:

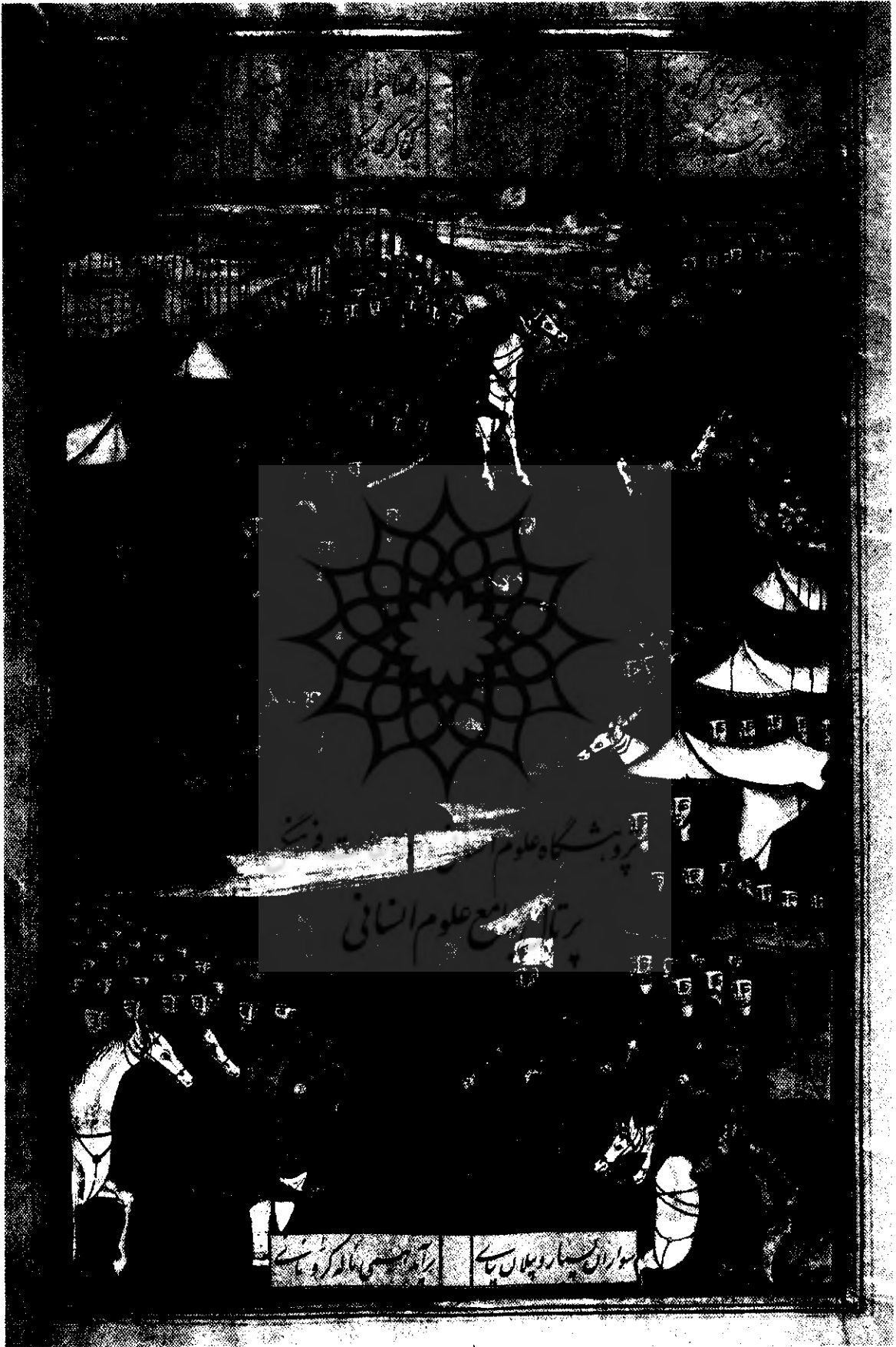
«فهرست نسخه های خطی فارسی» (جلد چهارم)، احمد منزوی، مؤسسه فرهنگی منطقه ای، ۱۳۵۱

«نامور نامه»، عبدالمجید شریف زاده، سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۰

«جلوه های هنر پارسی»، فرانسیس ریشار، ترجمه ع. روح بخشان، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۴.







پروڈکشن گاہ علوم  
مجمع علوم انسانی

پہلے سارو پیمانے  
پہلے سارو سائنس



مجلس نبرد کهرم - شاهنامه کابل  
مجلس نبرد کهرم - شاهنامه کابل  
مجلس نبرد کهرم - شاهنامه کابل

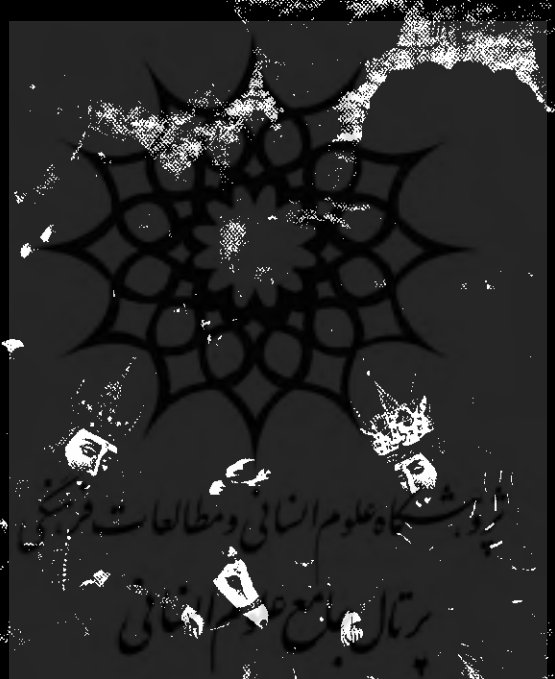


۱۳۰۱

بیا و اکنون مرکز این  
نعم زنجوی و هم کینه  
ترا که بسی را با دریا  
تویی که می و هم کینه  
در کار و هم کینه  
نشان دهان چنگل

بناش بدان چنگل  
نم زنجوی و هم کینه  
نم زنجوی و هم کینه  
نم زنجوی و هم کینه  
نم زنجوی و هم کینه  
نم زنجوی و هم کینه

نم زنجوی و هم کینه  
نم زنجوی و هم کینه  
نم زنجوی و هم کینه  
نم زنجوی و هم کینه  
نم زنجوی و هم کینه  
نم زنجوی و هم کینه



چین آینه آینه  
زیر وی پستان  
نم زنجوی و هم کینه

نم زنجوی و هم کینه  
نم زنجوی و هم کینه  
نم زنجوی و هم کینه  
نم زنجوی و هم کینه

نم زنجوی و هم کینه  
نم زنجوی و هم کینه  
نم زنجوی و هم کینه  
نم زنجوی و هم کینه

نم زنجوی و هم کینه  
نم زنجوی و هم کینه  
نم زنجوی و هم کینه  
نم زنجوی و هم کینه